

چارچوب‌های نحوی و کارکردهای کلامی تقابل واژگانی در زبان فارسی^۱

ماندانا کلاهدوز محمدی^۲

علی رضاقلی فامیان^۳

فردوس آقاگل زاده^۴

آزینا افراشی^۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۲۳

چکیده

در انگاره نظری جونز (Jones, 2002)، کارکردهای کلامی گوناگونی برای تقابل واژگانی در نظر گرفته شده و پژوهش در زبان‌های مختلف و از جمله زبان فارسی نمایان‌گر آن است که با وجود برخی تفاوت‌ها، بیشتر زبان‌ها در پیاده‌سازی الگوهای کلامی تقابل از الگوهای کم و بیش مشابهی بهره می‌گیرند.

^۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2018.16087.1359

^۲ دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد

تهران؛ mandana.mohammadi@gmail.com

^۳ دکترای تخصصی، دانشیار گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی، عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور

(نویسنده مسئول)؛ famianali@pnu.ac.ir

^۴ دکترای تخصصی، استاد گروه زبان‌شناسی، عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس؛

aghagholtz@modares.ac.ir

^۵ دکترای تخصصی، دانشیار گروه زبان‌شناسی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛

a.afraشي@ihcs.ac.ir

پیکره پژوهش، مشتمل بر ۴۰۰۰ جمله فارسی است که جفت‌واژه‌های متقابل دارند. این جمله‌ها از متن‌های نوشتاری، گفتاری و همچنین متن‌های موجود در فضای مجازی استخراج شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که کارکرد کلامی هم‌پایه، بیشترین سهم را در میان کارکردهای کلامی دارد و کارکردهای کلامی منفی‌ساز، انتقالی، اصطلاحی، کمکی و تفضیلی در جایگاه‌های بعدی قرار دارند. همچنین مشخص شد که میان برخی چارچوب‌های نحوی و کارکردهای کلامی نوعی ارتباط معنی‌دار وجود دارد، برای نمونه، چارچوب نحوی X و Y در الگوی کلامی هم‌پایه از بسامد بسیار بالایی برخوردار است. از سوی دیگر، مشخص شد که میان ماهیت معنایی برخی جفت‌واژه‌ها با بسامد آن‌ها در برخی ژانرها ارتباط وجود دارد. برای مثال، در پیکره مطالعه حاضر مشاهده شد که جفت‌واژه متقابل «واقعی-مجازی» صرفاً در متون مجازی به کار رفته است. این گونه یافته‌ها، به پژوهشگران زبان‌شناسی پیکره‌ای، کمک می‌کنند تا بتوانند با تکیه بر برخی جفت‌واژه‌های متقابل، ژانر پیکره‌های مختلف را پیش‌بینی کنند.

واژه‌های کلیدی: تقابل، چارچوب نحوی، کارکرد کلامی، زبان‌شناسی پیکره

۱. مقدمه

هرجا زبان طبیعی وجود دارد، تقابل نیز هست. بر این مبنا، در بررسی تقابل در زبان طبیعی باید هم جنبه‌های واژگانی را در نظر گرفت و هم به معیارهای معناشناختی توجه کرد. تقابل، رابطه معنایی منحصر به فردی است که در آن دو صورت‌واژه با هم در تقابلند، در حالی که جنبه‌های مشترکی نیز با یک‌دیگر دارند. این جفت‌واژه‌های متقابل همان واژه‌هایی هستند که از ابتدای کودکی آموخته‌ایم آن‌ها را به هم ارتباط دهیم و در گفتار روزمره خود نیز از آن‌ها بهره می‌گیریم. جفت‌واژه‌های متقابل، سال‌هاست توجه زبان‌شناسان حوزه معناشناسی واژگانی را به سوی خود کشانده‌اند. پژوهشگران بسیاری از جمله لاینز (Lyons, 1997)، کروز (Cruse, 1986)، مورفی (Murphy, 2003) به طبقه‌بندی انواع تقابل واژگانی و ویژگی‌های معنایی آن‌ها پرداخته‌اند و گام‌های نیز برای صوری‌سازی این رابطه معنایی از دیدگاه زبان‌شناسی ریاضی برداشته شده است (Safavi & Ramezankhani, 2019). برخی نیز، به نقش کارکردهای کلامی تقابل در سازماندهی گفتمان اشاره کرده‌اند (Muehleisen & Isono, 2009, p. 2186). متینجر (Mettinger, 1994) و سپس جونز (Jones, 2002) به بررسی کارکردهای کلامی جفت‌واژه‌های متقابل در پیکره

نوشتاری زبان انگلیسی پرداخته‌اند. جونز (Jones, 2002) در پژوهش خود به معرفی و طبقه‌بندی گونه‌های مختلف تقابل واژگانی پرداخت. به دنبال آن، اثر وی معیاری برای بررسی نقش تقابل در اکتساب در چارچوب نحوی زبان محاوره‌ای انگلیسی، در زبان نوشتار زبان سوئدی شد. در سال ۲۰۰۲ و پس از آنکه جونز چارچوب نظری خود را ارائه داد تا به امروز، پژوهش‌های بسیاری در پیوند با تقابل در سراسر دنیا و به زبان‌های گوناگون انجام شده‌است. این در حالی است که تا آنجائیکه نگارندگان آگاهی دارند، پژوهشی در این چارچوب نظری و به صورت در زمانی در ارتباط با ژانرهای نوشتاری و گفتاری انجام نشده‌است. به این منظور، پژوهش حاضر می‌کوشد تا از جنبه نظری و روش‌شناسی از سه حوزه نحو، معناشناسی و تحلیل کلام بهره گیرد. بر این مبنا، پژوهش حاضر بر آن است تا بر پایه رهیافتی پیکره-بنیاد، پس از شناسایی جفت‌واژه‌های متقابل در بافت طبیعی زبان، کارکرد کلامی آن‌ها را رده‌بندی کرده و سپس چارچوب نحوی آن‌ها را مورد بررسی قرار دهد. پژوهش حاضر از دیدگاه روش‌شناسی و همچنین نظری، کاربردهای گوناگونی دارد. از جمله اینکه، رویکردی پیکره-بنیاد و گفتمانی به جنبه هم‌نشینی تقابل معنایی دارد. همچنین، به نوعی بر بینابانی بودن چارچوب پیشنهادی جونز (Jones, 2002) دلالت می‌کند. در این راستا، پس از مرور پژوهش‌های انجام گرفته در این زمینه، بر آنیم به چهار پرسش پاسخ می‌دهیم. نخست اینکه «در جفت‌واژه‌های متقابل زبان فارسی، انواع کارکردهای کلامی چه سهمی را به خود اختصاص می‌دهند؟». دوم، «مابین چارچوب‌های نحوی و کارکردهای کلامی، تقابل واژگانی چه ارتباطی وجود دارد؟». سوم، «پرسامدترین جفت‌واژه‌های متن‌های فضای مجازی و متن‌های فضای غیرمجازی کدام اند؟» و در نهایت، «چه ارتباطی مابین ماهیت معنایی جفت‌واژه‌های متقابل با نوع ژانر (مجازی یا غیرمجازی) وجود دارد؟».

۲. پیشینه پژوهش

تقابل، تمایز میان دو واژه است، به گونه‌ای که مفهوم یکی از واژه‌ها در نقطه مقابل مفهوم واژه دیگر قرار گرفته باشد (Safavi, 2011, p. 118). صفوی (Safavi, 2011) انواع تقابل‌های معنایی مانند «بالا/پایین»، «خرید/فروش»، «زیر/رو»، «خام/پخته»، «چپ/راست» و موارد مشابه را با برچسب واژه‌های متضاد مشخص نمود. هر چند، وی معتقدست تقابل معنایی گونه‌های مختلفی را در بر می‌گیرد که باید از یک‌دیگر بازشناخته شوند و با نام‌های مشخصی طبقه‌بندی شوند. در این راستا، با وجود پژوهش‌های گسترده‌ای در پیوند با مبانی معناشناختی تقابل و تلاش برای تفکیک گونه‌های مختلف آن، چارچوب نحوی و کارکرد کلامی این رابطه واژگانی در بافت طبیعی زبان چندان مورد توجه قرار نگرفته‌است. همچنین، تاکنون پژوهشی در زمینه چارچوب نحوی

ساخت‌های متقابل در زبان فارسی انجام نشده‌است. در ادامه، برخی از پژوهش‌های ایرانی و غیرایرانی انجام شده در این چارچوب معرفی می‌شوند.

هسو (Hsu, 2008) در پایان‌نامه خود، با رویکردی پیکره‌بنیاد به بررسی باهم‌آیی تقابل واژگانی^۱ و کارکرد آن در متن زبان چینی ماندترین پرداخت. در تحلیل وی که براساس چارچوب نظری پیشنهادی جونز (Jones, 2002) انجام شد، فقط دو کارکرد، تقابل انتقالی و منفی‌ساز شناسایی نشدند. این امر خود نشان‌دهنده آن است که چارچوب پیشنهادی جونز (Jones, 2002) به صورت بینابانی می‌تواند در توصیف چگونگی باهم‌آیی تقابل واژگانی و کارکرد آن در متن مفید باشد. بنابراین، اختلاف بینابانی در پیوند با کارکرد جفت‌واژه‌های متقابل را می‌توان به ویژگی‌های ساختاری یک زبان ویژه نسبت داد.

مورفی و همکاران (Murphy et al., 2009) به منظور امکان‌مقایسه یافته‌های خود با جونز (Jones, 2002)، معادل سوئدی ۵۶ جفت‌واژه مورد مطالعه جونز را در پیکره سوئدی اسپراکبانکن^۲ بررسی کردند. پیکره مورد اشاره، مشتمل بر بیش از ۱۹ میلیون واژه برگرفته از رمان‌ها، روزنامه‌ها، مجله‌ها و مطلب‌های اینترنتی منتشر شده در فاصله سال‌های ۱۹۷۶ تا ۱۹۹۶ بود. در این مطالعه، ۴۳۶۶ جمله با جفت‌واژه‌های متقابل مورد نظر پژوهشگران شناسایی شدند که از این میان ۸۲٪ با صفت‌ها، ۱۰٪ با فعل‌ها، ۶٪ با اسم‌ها و ۲٪ با قیدها در ارتباط بودند. در این پیکره سوئدی نیز تقابل کمکی و تقابل هم‌پایه دو کارکرد کلامی رایج به شمار می‌آمدند.

موهلسن و ایسونو (Muehleisen & Isono, 2009) تقابل صفت‌ها در گفتمان زبان ژاپنی را مورد بررسی قرار دادند. بر پایه یافته‌های این پژوهش، هر چند فراوانی کارکردهای کلامی در زبان ژاپنی با زبان‌هایی مانند انگلیسی و سوئدی تفاوت داشت، اما کارکردهای کلامی که برای انگلیسی و سوئدی مشخص شده بودند، در ارتباط با زبان ژاپنی نیز به کار گرفته می‌شدند. گاوو و ژنگ (Gao & Zheng, 2014) در مقاله خود به بررسی تقابل واژگانی در متن‌های انگلیسی پرداختند. به باور آنها، تقابل واژگانی ما را قادر می‌سازد تا به صورت مختصر به بیان نقطه مقابل یک اندیشه و شیوه تفکر پردازیم.

کاستیک (Kostic, 2015) در مقاله خود به بررسی وجهه متنی^۳ تقابل، براساس یک پژوهش پیکره‌بنیاد پرداخت. مقاله وی در پی پاسخگویی به این پرسش بود که آیا می‌توان با استفاده از الگوهای تقابلی وجهه متنی تقابل که همان چارچوب‌های نحوی هست را پیش‌بینی کرد یا نه. او

¹ co-occurrences

² Språkbanken

³ Textual profile

در پژوهش خود به بررسی سه چارچوب نحوی پر بسامد «between X and Y»، «X or Y» و «both X and Y» می پردازد. یافته‌های این مقاله، نشان داد که می‌توان با استفاده از ساختارهای نحوی - واژگانی و جهت متنی تقابل را به تصویر کشید. هسو (Hsu, 2017) در مقاله خود، با رویکردی پیکره-بنیاد پراکندگی کارکرد ساختار ساخت واژی جفت‌واژه‌های متقابل در زبان چینی را مورد بررسی قرار داد. او در این پژوهش، به بررسی ۱۳ جفت‌واژه متقابل در زبان چینی پرداخت. براساس یافته‌های وی، اجزاء کلام و ویژگی‌های معناشناختی آن‌ها نقش بااهمیتی در الگوی توزیعی باهم‌آیی جفت‌واژه‌های متقابل در زبان چینی دارند.

در پیوند با موضوع مقاله حاضر، فقط یک پژوهش در زبان فارسی انجام شده است. در این پژوهش، تعداد ۱۰۰۰ جمله با جفت‌واژه‌های متقابل، از میان ۱۶ متن مکتوب فارسی گردآوری شده و کارکرد کلامی جفت‌واژه‌ها شناسایی و طبقه‌بندی شده‌اند (Reza Gholi Famian, 2014). یافته‌های این پژوهش، نشان داد مقوله صفت، فراوانی بیشتری در ایجاد جفت‌واژه‌های متقابل دارد. از سوی دیگر، بر پایه داده‌های آماری مربوط به نقش کلامی تقابل، معلوم شد که برخلاف سه زبان انگلیسی، سوئدی و ژاپنی که کارکرد کمکی در آن‌ها پربسامدترین کارکرد کلامی به شمار می‌آید، این جایگاه در زبان فارسی به کارکرد هم‌پایه اختصاص دارد.

۳. چارچوب نظری پژوهش

جونز (Jones, 2002) در مطالعه‌ای پیکره بنیاد، به بررسی کارکرد کلامی تقابل واژگانی در زبان انگلیسی پرداخت. وی در این پژوهش، ۳۰۰۰ جمله استخراج شده از متن‌های روزنامه ایندپندنت^۱ را از جنبه کارکرد کلامی جفت‌واژه‌های متقابل، مشتمل بر اسم‌ها، فعل‌ها، صفت‌ها و قیدها مورد بررسی قرار داد. واحد مورد مطالعه جونز، جمله بود. او در این مطالعه، ۵۶ جفت‌واژه متقابل زبان انگلیسی را شناسایی کرد. جونز (Jones, 2002) چند نوع چارچوب نحوی پربسامد انگلیسی که تقابل در آن‌ها رخ می‌داد، را معرفی کرد و طبقه‌بندی‌ای از کارکرد کلامی واژه‌های متقابل ارائه داد. در ادامه، ۷ طبقه اصلی پژوهش جونز و چارچوب‌های نحوی رایج در آن‌ها به همراه نمونه‌هایی از پیکره انگلیسی آورده می‌شوند:

الف) تقابل هم‌پایه^۲

یکی از پربسامدترین انواع تقابل در پیکره مورد مطالعه جونز (Jones, 2002) تقابل هم‌پایه است که در آن تمایز میان دو عنصر متقابل، خنثی می‌شود و نوعی برابری در بین آن‌ها به وجود می‌آید.

¹ Independent

² Coordinated

باید اشاره نمود که خنثی‌سازی، اغلب با استفاده از یک عنصر هم‌پایه‌ساز مانند «و» امکان‌پذیر می‌شود. بنابراین چارچوب نحوی این جمله نیز به صورت «*X and Y*» بیان می‌شود.

1. He took success and failure in his stride (Jones, 2002, p. 64).

ترجمهٔ جملهٔ بالا به این مفهوم اشاره دارد که فردی دل به دریا می‌زند و شکست و موفقیت برای او هیچ تفاوتی ندارد. در واقع، ساختار نحوی جمله شرایطی را فراهم کرده‌است که دو اسم متقابل «شکست» و «پیروزی» در یک سطح به کار رفته و در اصطلاح «هم‌پایه» به شمار آیند.

ب) تقابل تفضیلی^۱

در این نوع تقابل، یک عضو از جفت‌واژه متقابل با عضو دیگر مقایسه می‌شود. برای نمونه، در جملهٔ زیر تقابلی تفضیلی میان «fail» و «succeed» وجود دارد. چارچوب نحوی این جمله نیز به صورت «*X than Y*» بیان می‌شود.

2. The question is perhaps easier to answer for the long term than the short (Jones, 2002, p. 35).

ترجمهٔ این مثال را می‌توان این‌گونه ارائه داد که «پیدا کردن پاسخی برای این پرسش در درازمدت بسیار راحت‌تر از کوتاه‌مدت است». همان‌گونه که از ترجمهٔ این نمونه روشن است، در میان دو قید متقابل «درازمدت» و «کوتاه‌مدت» تقابلی تفضیلی وجود دارد.

پ) تقابل انتقالی^۲

منظور از تقابل انتقالی، آن است که در جفت‌واژه متقابل، شاهد جابجایی یا تغییر از یک مکان یا حالت به مکان یا حالتی دیگر هستیم که در بیشتر موارد با فعل‌هایی مانند شدن، گردیدن و گشتن همراه است. در نمونهٔ زیر، تقابل میان جفت‌واژه *legal* و *illegal* از نوع انتقالی است، زیرا وضعیت تجارت از قانونی به غیر قانونی تغییر کرده‌است. چارچوب نحوی این جمله نیز به صورت «*X to Y*» بیان می‌شود که حرف اضافه «to»، خود به گونه‌ای تأییدکنندهٔ تقابل انتقالی است.

3. How easy to slip from the legal to the illegal trade, especially when the law is so patchy (Jones, 2002, p. 35).

ت) تقابل منفی^۳

در تقابل منفی، یکی از عنصرهای تقابل، با عنصر منفی‌ساز همراه می‌شود تا مفهوم عنصر دیگر، تقویت شود. در نمونهٔ زیر، تقابل میان جفت‌واژه «peace» و «war» از گونهٔ منفی‌ساز است، زیرا

¹ comparative

² transitional

³ negated

عنصر منفی ساز «not» افزوده شده است. چارچوب نحوی این جمله نیز به صورت «X, not Y» بیان می‌شود. ترجمه این نمونه را می‌توان این گونه ارائه داد که «وی اذعان داشت تلاش ما در جهت تسهیل برقراری مجدد صلح است نه جنگ» که در آن میان دو اسم متقابل «صلح» و «جنگ» تقابلی تفضیلی وجود دارد.

4. We are striving to facilitate the re-establishment of peace, not war, he added (Jones, 2002, p. 35).

ث) تقابل کمکی^۱

در انگاره نظری جونز (Jones, 2002)، تقابل کمکی یکی از پربسامدترین کارکرد کلامی واژه‌های متقابل در ژانر نوشتاری زبان انگلیسی است. در این کارکرد، در یک جمله، شاهد دو تقابل هستیم، به طوری که، یک جفت واژه متقابل به معرفی تقابلی دیگر در جمله کمک می‌کند. برای نمونه، در جمله زیر، دو صفت متقابل «lucky» و «unlucky» شرایطی را فراهم کرده‌اند که میان دو واژه «Mrs Thatcher» و «Mr Heath» تقابلی اساسی مطرح شود. چارچوب نحوی این جمله نیز به صورت «X ; Y» بیان می‌شود.

5. Mrs Thatcher has been a lucky prime minister; Mr Heath was an unlucky one (Jones, 2002, p. 39).

ترجمه این مثال را می‌توان این گونه بیان کرد که «خانم تاچر رئیس جمهور خوش یمنی بود؛ آقای هیث، رئیس جمهور بدیمنی بود». همان‌طور از ترجمه نمونه روشن است، دو صفت متقابل «خوش یمن» و «بدیمن» شرایطی را فراهم کرده‌اند که میان دو واژه «خانم تاچر» و «آقای هیث» تقابلی اساسی وجود دارد.

ج) تقابل اصطلاحی^۲

در تقابل اصطلاحی یک جفت واژه متقابل «hot/cold» در قالب اصطلاح، ضرب‌المثل یا پاره‌گفته - ای کلیشه‌ای ارائه می‌شود. مانند نمونه زیر که مفهوم «blow hot and cold» داشتن اراده راسخ در انجام کارها است.

6. It was not permissible to blow hot and cold (Jones, 2002, p. 38).

یا در نمونه دیگر که جفت واژه متقابل «come/go» در قالب اصطلاح بیان می‌شود و مفهوم «آن چیزی که آسان به دست آید، آسان از دست می‌رود» را می‌رساند.

7. Easy come, easy go (Jones, 2002, p. 93)

¹ ancillary

² idiom

۴. روش‌شناسی پژوهش

به منظور پاسخ به پرسش‌های پژوهش، نگارندگان کوشیدند تا با الهام از طبقه‌بندی جونز (Jones, 2002) کارکرد کلامی تقابل واژگانی را در ۴۰۰۰ جمله‌ی زبان فارسی ارزیابی کنند. جدول (۱) ژانر داده‌ها، پیکره‌ای که جمله‌ها از آن استخراج شده و فراوانی در واحد جمله را نشان می‌دهد. ابتدا داده‌های پژوهش شناسایی و استخراج شدند. سپس داده‌های مورد نظر تایپ شدند و به صورت دستی مورد بررسی قرار گرفتند. در این راستا، هر جفت‌واژه‌ای که ویژگی تقابل در آن وجود داشت و در یک جمله به کار رفته بود- از جمله اسم، فعل، صفت، قید یا ضمیر- به عنوان داده پژوهش استخراج شد. این فرایند خود مشتمل بر سه بخش بود. در بخش نخست، اقسام کلمه جفت‌واژه تشخیص داده می‌شد. در بخش دوم، نوع تقابل شناسایی می‌شد. بخش سوم، مشتمل بر نوع چارچوب نحوی بود. به این ترتیب، ۴۰۰۰ جمله دارنده شرایط - جمله‌هایی که هر یک دارای یک جفت‌واژه متقابل هستند، از میان گونه‌های نوشتاری و گفتاری زبان فارسی استخراج گردید. سپس داده‌ها رمزگذاری شدند و با نرم‌افزار «IBM -SPSS» نسخه ۲۰ تحلیل شدند تا فراوانی هر یک از گونه‌های نوشتاری و گفتاری مورد بررسی قرار گیرد. در پایان، به منظور سهولت در مقایسه نمودار فراوانی خوشه‌ای برای متغیرهای اقسام کلمه، گونه‌های مختلف تقابل و چارچوب‌های نحوی آن‌ها به نمایش درآمده است.

جدول ۱: ژانر، نوع پیکره و فراوانی داده‌ها

نوع ژانر	نوع پیکره ای	فراوانی در واحد جمله	بازه ی زمانی مورد مطالعه
نوشتاری	متون مکتوب داستانی	۱۰۰۰	دهه چهارم تا نود شمسی
	متون مطبوعاتی	۱۰۰۰	دهه چهارم تا نود شمسی
	فضای مجازی	۵۰۰	دهه نود شمسی
گفتاری	تلویزیون	۱۰۰۰	دهه چهارم تا نود شمسی
	رادیو	۵۰۰	دهه چهارم تا نود شمسی
	مجموع	۴۰۰۰	

۵. یافته‌های پژوهش

در این بخش، ابتدا نمونه‌هایی از جفت‌واژه‌های متقابل استخراج شده و چارچوب‌های نحوی آن‌ها را مرور می‌کنیم. سپس تحلیل آماری مربوط به داده‌ها ارائه می‌شود.

۵.۱. مرور چند نمونه از پیکره

در ادامه، چند نمونه از جفت‌واژه‌های متقابل شناسایی شده در پیکره را مرور می‌کنیم.

۵. ۱. ۱. تقابل هم‌پایه

شمار قابل توجهی از جفت‌واژه‌ها در رده کارکرد کلامی هم‌پایه قرار می‌گیرند. در این زمینه، اغلب چارچوب نحوی «X و Y» الگویی پربسامد در این نوع تقابل به شمار می‌آید. در بسیاری موارد، در تقابل هم‌پایه از حرف ربط «و» برای همپایگی استفاده شده‌است. مثال (۸) نمونه‌ای از نوع تقابل است.

۸. بابا و مامان کجا هستن؟ هنوز نیومدن^۱.

همچنین در مواردی از این گونه تقابل، قیدهایی مانند «یکی»، «همه»، «هم» در چارچوب نحوی جمله به کار گرفته می‌شوند. نمونه (۹) نمونه‌ای از این چارچوب نحوی است که در آن قید «همه» بر هم‌پایگی دو اسم (زنان و مردان) تأکید می‌کند.

۹. همه زنان و مردان، زمانی طولانی یا مادران خود زندگی می‌کنند؛ مسابقه این هفته درباره مقام مادر و زن است^۲.

۱۰. خوب یا بد همینم که هستم^۳.

البته در این نوع تقابل، شاهد چارچوب‌های نحوی دیگری نیز هستیم. برای نمونه، عناصر متقابل در مثال (۱۰) با حرف ربط «یا» به هم پیوسته‌اند که چارچوب نحوی آن نیز به صورت «X یا Y» است.

۵. ۱. ۲. تقابل منفی‌ساز

تقابل منفی‌ساز، دومین کارکرد کلامی پربسامد در پیکره پژوهش حاضر است. بر اساس این تقابل، جفت‌واژه متقابل، با استفاده از سازه‌های منفی‌سازی مانند «نا»، «غیر»، «عدم»، «بی» و موارد مشابه ساخته می‌شود و هر دو واژه در یک جمله به کار می‌روند. در این کارکرد کلامی نیز چارچوب نحوی «X و Y» الگویی پربسامد به شمار می‌آید و در آن صورت منفی، فعل‌ها نیز با تکواژ منفی‌ساز «ن-» ساخته می‌شود، مانند «نیست» در برابر «است»، یا «نمی‌خواستم» در برابر «می‌خواستم». مثال‌های (۱۱) و (۱۲) نمونه‌هایی از تقابل منفی هستند که با تکواژ منفی‌ساز «ن-» ساخته شده‌اند و به ترتیب دارای چارچوب‌های نحوی متفاوت «X با Y»، «X یا Y»، «Y X»، «X و Y» هستند.

۱۱. چون بعضیا تو کمان دیگه. فکر می‌کنن هستن ولی بودنشون با نبودنشون فرقی نمی‌کنه^۴.

^۱ متن گفتاری (برگرفته از فیلم چهار خواهر)، دهه ۱۳۴۰

^۲ متن نوشتاری (برگرفته از روزنامه اطلاعات)، دهه ۱۳۷۰

^۳ متن نوشتاری (برگرفته از فضای مجازی)، دهه ۱۳۹۰

^۴ متن گفتاری (برگرفته از مجموعه تلویزیونی کما)، دهه ۱۳۸۰

۱۲. از اونجایی هم که شما خیلی خوب همیشه راه فرار رو واسه من باز می کنید گفتم بگم یا نگم!

۵. ۱. ۳. تقابل انتقالی

کارکرد کلامی پربسامد دیگر در پیکره مقاله، تقابل انتقالی است. این نوع تقابل، اغلب با فعل‌هایی مانند گشتن، گردیدن و شدن همراه است و چارچوب نحوی غالب آن «X تا Y» است. در نمونه (۱۳) تبدیل روحیه «امید» به «ناامید» خود نوعی تقابل انتقالی با چارچوب نحوی «X که Y» است. در نمونه (۱۴) یک وضعیت (زشت شدن یکی) منجر به وضعیتی دیگر (خوشگل شدن) می‌شود و چارچوب نحوی «X تا Y» شکل می‌گیرد.

۱۳. امید‌هایی که ناامید شد شمار جان باختگان ایرانی فاجعه منا به ۴۶۵ نفر رسید.^۱

۱۴. زشت شد تا من خوشگل شم.^۲

۵. ۱. ۴. تقابل اصطلاحی

در گونه‌های گفتاری و نوشتاری پیکره پژوهش، جفت‌واژه‌های متقابلی مشاهده شدند که در قالب یک اصطلاح به کار رفته بودند. در ادامه، به نمونه‌هایی از آن‌ها در گونه‌های نوشتاری و سپس در گونه‌های گفتاری اشاره می‌شود. همچنین باید اشاره نمود که چارچوب نحوی ویژه‌ای به سبب ماهیت اصطلاحی تقابل‌ها، برای آن‌ها در نظر گرفته نشد.

۱۵. مجبورم بعضی از حماقت‌هایی را که گاه و بیگاه نسبت به تو می‌کردم اعتراف کنم.^۳

۱۶. شما مرد با تجربه‌ای هستید و سرد و گرم را چشیده‌اید و احتیاج نیست.^۴

۵. ۱. ۵. تقابل تفضیلی

در تقابل تفضیلی، جفت‌واژه‌های متقابل با پسوند تفضیلی «تر» همراه می‌شوند و چارچوب نحوی تقریباً پربسامد در این کارکرد کلامی «X تر Y تر» است. برپایه این چهارچوب، حرف ربطی مابین دو جفت‌واژه متقابل به کار نمی‌رود، اما چارچوب نحوی به صورت «هرچه X تر Y تر» است. در

^۱ متن گفتاری (برگرفته از مجموعه تلویزیونی شام ایرانی)، دهه ۱۳۹۰

^۲ متن گفتاری (برگرفته از اخبار تلویزیون)، دهه ۱۳۹۰

^۳ متن نوشتاری (برگرفته از فضای مجازی)، دهه ۱۳۹۰

^۴ متن نوشتاری (برگرفته از رمان بازی سرنوشت)، دهه ۱۳۹۰

^۵ متن نوشتاری (برگرفته از رمان هنگامه)، دهه ۱۳۷۰

برخی موارد، بین دو جفت‌واژه متقابل قید تکرار مشاهده می‌شود. در نمونه (۱۸) بین دو جفت‌واژه قید تکرار «باز» به کار گرفته شده و چارچوب نحوی به صورت «Xتر باز Yتر» است. در مثال (۱۹) نیز چارچوب نحوی به صورت «Xتر اما Yتر» است که بین دو جفت‌واژه حرف ربط «اما» مشاهده می‌شود.

۱۷. هر چه بیشتر فکر می‌کنم کمتر به نتیجه می‌رسم.^۱

۱۸. هر چه درصد گوشت سوسیس و کالباس بیشتر باشه باز میزان استفاده ازش کمتره.^۲

۱۹. ما ساختمان‌های بلندتر داریم اما طبع کوتاهتر.^۳

۵. ۱. ۶. تقابل کمکی

در تقابل کمکی چارچوب نحوی «X Y» بسامد بیشتری نسبت به چارچوب‌هایی دارند که یک بار بسامد دارند. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، در تقابل کمکی یک جفت‌واژه متقابل به ایجاد تقابل میان دو واژه یا پاره‌گفته دیگر در جمله کمک می‌کند. در ادامه، به نمونه‌هایی از آن در گونه‌های نوشتاری، سپس در گونه‌های گفتاری اشاره می‌شود. چارچوب نحوی در این تقابل در نمونه (۲۰) به صورت «Y X» است و هیچ حرف ربطی به کار گرفته نشده است. هر چند در مثال (۲۱) چارچوب نحوی به صورت «Y و X» است و از حرف ربط «و» استفاده شده است.

۲۰. سوال از شما پاسخ از ما.^۴

۲۱. ما انقلابی را انجام دادیم که بدخواه هیچکس نبود و در عوض خیرخواه همه کس بود.^۵

۶. یافته‌های آماری

بر پایه یافته‌های آماری پژوهش حاضر، از مجموع ۴۰۰۰ جفت‌واژه متقابل مورد بررسی، در پیکره مطالعه حاضر، ۱۴۳۲ جفت‌واژه در پیوند با مقوله اسم، ۹۲۶ جفت‌واژه در ارتباط با مقوله فعل، ۸۰۰ جفت‌واژه مربوط به مقوله صفت، ۵۰۱ جفت‌واژه در پیوند با مقوله قید، ۸۹ جفت‌واژه مربوط به مقوله ضمیر و ۲۵۲ جفت‌واژه در ارتباط با مقوله اصطلاحی بودند. در پیوند با کارکرد کلامی تقابل نیز از مجموع ۴۰۰۰ جفت‌واژه متقابل، ۱۸۴۳ جفت‌واژه متقابل کارکرد کلامی همپایه، ۷۴۵

^۱ متن نوشتاری (برگرفته از رمان هنگامه)، دهه ۱۳۷۰

^۲ متن گفتاری (برگرفته از برنامه رادیویی)، دهه ۱۳۹۰

^۳ متن نوشتاری (برگرفته از فضای مجازی)، دهه ۱۳۹۰

^۴ متن گفتاری (برگرفته از برنامه رادیویخانه و خانواده)، دهه ۱۳۹۰

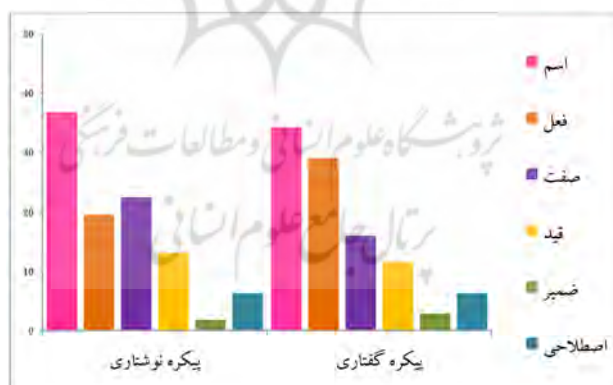
^۵ متن نوشتاری (برگرفته از روزنامه اطلاعات)، دهه ۱۳۶۰

جفت‌واژه متقابل کارکرد منفی ساز، ۵۳۳ جفت‌واژه کارکرد سایر، ۳۱۳ جفت‌واژه کارکرد انتقالی، ۲۵۳ جفت‌واژه کارکرد اصطلاحی، ۲۲۶ جفت‌واژه کارکرد کمکی و ۸۷ جفت‌واژه نیز کارکرد تفضیلی داشتند. درصد فراوانی هر مقوله به صورت جداگانه در شکل (۱) آورده شده است.



شکل ۱: درصد فراوانی کارکرد کلامی تقابلی در پیکره

شناسایی و استخراج داده‌ها نشان می‌دهد از بین ۴۰۰۰ جمله، در مجموع، ۳۷۱۲ جفت‌واژه متقابل بدون در نظر گرفتن موارد اصطلاحی (۲۸۸) به کار رفته‌اند. در این میان، ۲۲۶۴ جفت‌واژه متقابل، مربوط به گونه نوشتاری و ۱۴۴۸ جفت‌واژه متقابل مربوط به گونه گفتاری است. شکل (۲) سهم هر یک از مقوله‌های چهارگانه صفت، اسم، فعل، قید و اصطلاحی را در شکل‌گیری و کاربرد جفت‌واژه‌های تقابلی نشان می‌دهد. لازم به اشاره است که در مقاله حاضر هنگام تعیین اجزای کلام، مقوله اصطلاحی به صورت یک کل منسجم در نظر گرفته شد و اجزاء کلام تک تک واژگان مورد بررسی قرار نگرفت. مانند نمونه‌های (۳۰) تا (۳۵) بخش تقابلی اصطلاحی.



شکل ۲: درصد فراوانی تقابلی به تفکیک مقوله‌های واژگانی در ژانرهای گفتاری و نوشتاری

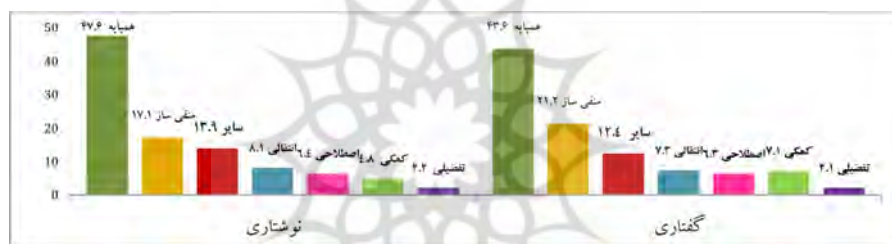
یافته‌های پژوهش نشان داد از این میان، مقوله اسم با ۳۶/۸ درصد در گونه نوشتاری و با ۳۴/۲ درصد در گونه گفتاری، رتبه نخست را داشته است و مقوله‌های دیگر در رتبه‌های دوم به بعد قرار گرفته‌اند. همچنین مقوله اصطلاحی در ژانرهای گفتاری و نوشتاری فراوانی یکسان داشته است. علاوه بر این، به کارگیری ضمیر در ژانر گفتاری بیشتر از ژانر نوشتاری هست که خود به برقراری

ارتباط بهتر میان گوینده و شنونده منجر می‌شود. نکته مهم دیگر، ترتیب فراوانی مقوله‌های واژگانی در ژانرهای گفتاری و نوشتاری است. بر این اساس، با توجه به نمودار (۳) می‌توان دریافت، فراوانی مقولات اسم و فعل در ژانر نوشتاری بیش از مقوله صفت است. هر چند در ژانر گفتاری مقوله صفت از مقوله فعل پیشی گرفته‌است که این خود نشان‌دهنده گذارا و ناپایدار بودن گفتار و پایداری نوشتار نسبت به آن است.

جدول ۲: فراوانی چارچوب‌های نحوی پربسامد در گونه نوشتاری و گفتاری کارکرد کلامی تقابل

چارچوب نحوی	نوع تقابل	فراوانی	مثال
Y و X	همپایه	۱۳۰۷	خیلی وقت‌ها ما پدر و مادرها فکر می‌کنیم که بچه باید تنبیه بشه. (متن گفتاری (برگرفته از برنامه رادیویی خانه و خانواده) دهه ۱۳۹۰)
	منفی ساز	۱۰۴	که ما اعجل رو در معنای فلانی اعجلش رسیده یا نرسیده به کار می‌بریم. (متن گفتاری (برگرفته از سخنرانی بازنمایی زمان) دهه ۱۳۹۰)
Y یا X	همپایه	۱۷۵	از آنجا می‌توان به آسانی وارد یا خارج شد. (متن نوشتاری (برگرفته از رمان هنگامه) دهه ۱۳۷۰)
	منفی ساز	۳۲	وضعیت یک فرد از نظر ابتلا یا عدم ابتلا به ایدز نباید ملاک استخدام قرار گیرد. (متن نوشتاری (برگرفته از روزنامه جام جم) دهه ۱۳۸۰)
Y، X	همپایه	۱۰۴	گفتیم هرچه باشه فامیلیم دخترعمو، پسرعمویم. (متن گفتاری (برگرفته از مجموعه تلویزیونی آئینه) دهه ۱۳۶۰)
	منفی ساز	۹۷	دشمن با ما به شکل امروزه برخورد نمی‌کند، او قبلاً نقشه‌ها طراحی می‌کند (متن نوشتاری (برگرفته از روزنامه) دهه ۱۳۹۰)
	همپایه	۵۱	پولش دادن بدش اومد نوشتش دادن خوشش اومد. (متن گفتاری (برگرفته از مجموعه تلویزیونی مسافران مهتاب) دهه ۱۳۶۰)
Y X	منفی ساز	۵۵	امشب اعتراف می‌کنم آغوش تو تکرار ندارد تریاک دارد. (متن نوشتاری (برگرفته از فضای مجازی) دهه ۱۳۹۰)
	کمکی	۱۵	جدا از ملاک‌هایی مثل دماغ باعمل یا بدون عمل، میزان تحصیلات و محل زندگی چیزهای مهم تری هم ملاک شروع به رابطه باید باشه. (متن نوشتاری (برگرفته از فضای مجازی) دهه ۱۳۹۰)
Y نه X	منفی ساز	۳۹	اسم این گروه رو باید بذاریم بی‌حالا نه باحالا والا. (متن نوشتاری (برگرفته از فضای مجازی) دهه ۱۳۹۰)
X ولی Y	منفی ساز	۳۰	قدیما خیلی باحال بود ولی ما نبودیم (متن نوشتاری (برگرفته از فضای مجازی) دهه ۱۳۹۰)
Y اما X	منفی ساز	۲۳	شعر که می‌خونه مثل ایکه آواز میخونه اما آواز نمیخونه (متن نوشتاری (برگرفته از رمان سنگ صبور) دهه ۱۳۴۰)
X تا Y	انتقالی	۱۸	صبح تا شب تلاش میکنه تا محتاج دیگران نباشه. (متن نوشتاری (برگرفته از فضای مجازی) دهه ۱۳۹۰)
از X تا Y	انتقالی	۱۳	باید پدر رو درک کرد تو این شرایط ترافیک از صبح تا شب بیرون هستن. (متن گفتاری (برگرفته از برنامه رادیویی خانه و خانواده) دهه ۱۳۹۰)
چه X چه Y	منفی ساز	۱۱	این بیداری اسلامی که مشاهده می‌کنید، چه بگوئیم چه نگوئیم.... (متن نوشتاری (برگرفته از منشور هنر و هنرمندان: فرازهایی از سخنان رهبر انقلاب) دهه ۱۳۹۰)
Y را X	انتقالی	۸	هنگامه چرخید و سعی کرد با لبخند چهره غمگین خود را خوشحال نشان دهد. (متن نوشتاری (برگرفته از رمان هنگامه) دهه ۱۳۷۰)
X تر Y تر	تفضیلی	۸	سن کمتر از ۲۲ زیادت از ۳۵ سال نباشد. (متن نوشتاری (برگرفته از روزنامه اطلاعات) دهه ۱۳۵۰)
		۲۰۹۰	مجموع

در پژوهش حاضر، با بررسی فراوانی چارچوب‌های نحوی پرسامد گونه نوشتاری و گفتاری کارکرد کلامی تقابلی، یافته‌هایی به دست آمد. به طور کلی، بسامد چارچوب‌های نحوی‌ای که فقط یک بار در پیکره پژوهش به کار گرفته شده‌اند، بیشتر از چارچوب‌های نحوی تکرار شونده‌ای بود که در جدول (۳) به آن‌ها اشاره شده‌است. با توجه به یافته‌های آمار توصیفی، از مجموع ۴۰۰۰ چارچوب نحوی مورد مطالعه، حدود ۴۷٪ به چارچوب‌های نحوی یک بار بسامد، ۳۴٪ به چارچوب‌های نحوی پرسامد گونه نوشتاری و ۱۸٪ به چارچوب‌های نحوی پرسامد گونه گفتاری تعلق داشتند. در این راستا، توانایی بالقوه زبان در ساخت ساختارهای جدید، میزان ۴۷٪، به دست آمد. همان گونه که در جدول (۳) مشاهده می‌شود، استفاده ژانر گفتاری از چارچوب‌های نحوی غالب بسیار کمتر است. این امر، خود نشان‌دهنده گذرا بودن و پایدار نبودن گفتار است که در نتیجه، از چارچوب‌های نحوی جدیدی بهره می‌گیرد.



شکل ۳: فراوانی انواع کارکرد کلامی تقابلی در ژانر گفتاری و نوشتاری

شکل (۴)، نسبت فراوانی هفت کارکرد کلامی تقابلی را ژانرهای گفتاری و نوشتاری نشان می‌دهد که در آن بیش از نیمی از جفت‌واژه‌های متقابل اصولاً هم‌پایه سازند یا در ساخت منفی ساز به کار می‌روند. لازم به اشاره است که تقابلی همپایه در ژانر نوشتاری بیش از ژانر گفتاری است و برعکس تقابلی منفی ساز در ژانر گفتاری به نسبت بیش از نوشتاری است.

همچنین باید توجه نمود که در پژوهش حاضر، فقط ۵۰۰ جمله از فضای مجازی استخراج شده و مابقی ۳۵۰۰ جمله، مربوط به متن‌هایی، غیر از فضای مجازی بودند. سپس برای مقایسه جفت‌واژه‌های پرسامد از فرایند درصدگیری بهره گرفته شد. جدول (۳) و نمودار (۴) جفت‌واژه‌های پرسامد فضای مجازی و فراوانی آن‌ها را در متن‌هایی غیر از فضای مجازی نشان می‌دهند.

جدول ۳: جفت‌واژه‌های پرسامد متن‌های فضای مجازی و غیر فضای مجازی

جفت‌واژه‌های پرسامد	پسامد جفت‌واژه‌های متقابل فضای مجازی	درصد جفت‌واژه‌های متقابل فضای مجازی	پسامد جفت‌واژه‌های متقابل فضای مجازی	درصد جفت‌واژه‌های متقابل فضای مجازی
دختر - پسرا	۴۰	۸	۴۲	۱/۲
هست - نیست	۳۸	۷/۶	۷۴	۲/۱۱
خوب - بد	۲۰	۴	۲۶	۰/۷
مرد - زن	۱۶	۳/۲	۸۳	۲/۳۷
پدر - مادر	۱۰	۲	۱۸۲	۵/۲
روز - شب	۱۰	۲	۶۶	۱/۸۸
داری - نداری	۲۹	۵/۸	۱۳	۰/۳۷
راست - دروغ	۹	۱/۷	۲۳	۰/۶۵
واقعی - مجازی	۵	۱	۰	۰
خانم - آقا	۵	۱	۳۰	۰/۸۵
بزرگ - کوچک	۸	۱/۶	۴۶	۱/۳۱
خواستن - نخواستن	۶	۱/۲	۸	۰/۲۲
کم - زیاد	۱۲	۲/۴	۳۴	۰/۹۷
مردان - زنان	۹	۱/۷۹	۷۷	۲/۱۹
سفید - سیاه	۶	۱/۲	۱۶	۰/۴۵
رفت - آمد	۶	۱/۲	۱۸	۰/۵۱
مجموع	۲۲۹	۴۵/۸۰	۷۳۸	۲۱/۰۸



شکل ۴: جفت‌واژه‌های پرسامد متن‌های فضای مجازی و غیر فضای مجازی

باتوجه به جدول (۳) و شکل (۴)، فراوانی بیشتر جفت‌واژه‌های متن‌های فضای مجازی، بیشتر از متن‌های غیر از فضای مجازی است. اگر چه در مواردی مانند جفت‌واژه‌های «پدر-مادر» و «مردان-زنان» فراوانی جفت‌واژه‌ها در متن‌هایی غیر از فضای مجازی بیشتر است. هر چند این موضوع تا اندازه‌ای در ارتباط با نوع بیناکنش‌های فضای مجازی است. نکته مهم در پیوند با تفاوت میان جفت‌واژه‌های متن‌های فضای مجازی و غیر از فضای مجازی این است که فراوانی جفت‌واژه «واقعی - مجازی» در متن‌های فضای مجازی بیشتر از فراوانی این جفت‌واژه در متن‌های غیر از فضای مجازی است.

۷. بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، ابتدا انگاره نظری جونز (Jones, 2002) در تشخیص کارکرد کلامی و چارچوب نحوی تقابل واژگانی، معرفی شد. سپس، پیکره‌ای از گونه‌های نوشتاری و گفتاری زبان فارسی تهیه شد. به دنبال آن جفت‌واژه‌های متقابل و چارچوب‌های نحوی در ۴۰۰۰ جمله از پیکره پژوهش‌شناسایی شد. اکنون با تکیه بر یافته‌های پژوهش به پرسش‌های پژوهش پاسخ می‌دهیم.

در پاسخ به پرسش نخست می‌توان ادعا نمود که کارکرد هم‌پایه، پربسامدترین نوع کارکرد کلامی به شمار می‌آید و کارکرد تفضیلی نیز کم‌بسامدترین گونه است. این ادعا، با یافته‌های پژوهش رضا قلی فامیان (Reza Gholi Famian, 2014) همخوانی دارد، هر چند وی در اثر خود، فقط متن‌های نوشتاری را مورد بررسی قرار داده بود. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که زبان فارسی ترتیب مشخصی را برای بهره‌گیری از کارکردهای کلامی تقابل دنبال می‌کند که به صورت هم‌پایه، منفی‌ساز، سایر، انتقالی، اصطلاحی، کمکی و تفضیلی است.

در پیوند با پرسش دوم و ارتباط میان چارچوب‌های نحوی و کارکردهای کلامی تقابل واژگانی با تکیه بر داده‌های جدول (۲) و نمودار (۴) می‌توان برخی شباهت‌ها را شناسایی نمود. برای نمونه، چارچوب نحوی «هم‌پایه X و Y» در دو ژانر گفتاری و نوشتاری بیشترین میزان را در بر گرفته است. این کارکرد کلامی هم‌پایه در دو ژانر گفتاری و نوشتاری نیز به کار می‌رود. در پیوند با بهره‌گیری از کارکرد کلامی تفضیلی دو ژانر گفتاری و نوشتاری کمترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند که این امر با توجه به تنها چارچوب نحوی پربسامد «تفضیلی X تر Y تر» در دو ژانر گفتاری و نوشتاری ملموس‌تر خواهد بود. همچنین با توجه به اینکه کارکردهای کلامی هم‌پایه و منفی‌ساز در دو ژانر گفتاری و نوشتاری بیشترین درصد را به خود اختصاص داده‌اند با نگاهی به چارچوب‌های نحوی این دو کارکرد کلامی در جدول (۲) می‌توان دریافت که این دو کارکرد کلامی برخلاف کارکردهای دیگر از چارچوب‌های نحوی پربسامد نیز بهره می‌گیرند.

در پاسخ به پرسش‌های سوم و چهارم با توجه به جدول (۳) و نمودار (۴) فراوانی جفت‌واژه‌هایی مانند «دختر-پسر»، «هست-نیست»، «خوب-بد»، «مرد-زن»، «داری-نداری»، «کم-زیاد» در فضای مجازی بیشتر از متن‌هایی غیر از فضای مجازی به دست آمد. به کارگیری جفت‌واژه «واقعی-مجازی» منحصرأ به فضای مجازی اختصاص داشت و به نوعی تأییدکننده تقابل آن با فضایی غیر از فضای مجازی است. بر این مبنای، می‌توان ادعا کرد ماهیت جفت‌واژه‌های متقابل بسته به نوع بافت متغییر است، به گونه‌ای که در یک ژانر روزنامه‌ای، شاهد جفت‌واژه‌های پربسامد مانند «پیروزی-شکست» هستیم. این در حالی است که در ژانر رادیویی فراوانی جفت‌واژه‌هایی مانند «این-اون» بیشتر از ژانرهای دیگر است.

در پایان، نگارندگان بر این نکته تأکید می‌کنند که مطالعه حاضر، پژوهشی مقدماتی در چارچوب کارکرد کلامی تقابل واژگانی به شمار می‌آید. بی‌تردید تمرکز بر پیکره‌های بزرگ‌تر و متنوع‌تر می‌تواند تصویری جامع‌تر از کارکرد کلامی تقابل و پیوند آن با حوزه نحو ارائه دهد.

فهرست منابع

- رضاقلی فامیان، علی (۱۳۹۳). «رویکردی کلامی به تقابل واژگانی در زبان فارسی». *زبان و زبان‌شناسی*. دوره ۱۰. شماره ۱۹. صص ۵۵-۷۴.
- صفوی، کورش (۱۳۹۰). *درآمدی بر معناشناسی*. تهران: سوره مهر.
- صفوی، کورش و رمضان‌خانی، مریم (۱۳۹۷). «صوری‌سازی رابطه مفهومی تقابل معنایی در سطح واژه از دیدگاه زبان‌شناسی ریاضی». *زبان‌پژوهی*. دوره ۱۰. شماره ۲۹. صص ۱۹۳-۲۱۷.

References

- Cruse, D.A. (1986). *Lexical semantics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Gao, C. & Zheng Q. (2014). A linguistic study of antonymy in English texts. *Journal of Language Teaching and Research*, 5 (1), 234-238.
- Hsu, C. C. (2008). *A corpus-based approach to antonym co-occurrences in Mandarin Chinese* (PhD thesis). National Taiwan Normal University, Taipei City, Taiwan.
- Hsu, C. C. (2017). A corpus-based study on the functional distribution of different morphostructural antonyms in Chinese. *Language Sciences*, 59, 36-45
- Jones, S. (2002). *Antonymy: a corpus-based approach*. London: Routledge.
- Jones, S. (2006). Antonym co-occurrence in spoken English. *Text and Talk*, 26 (2), 191-216.
- Kostić, N. (2015) Antonym sequence in written discourse: a corpus-based study, *Language Sciences*, 47, 18-31.
- Lyons, J. (1977). *Semantics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Mettinger, A. (1994). *Aspects of semantic opposition in English*. Oxford: Clarendon Press Oxford.
- Muehleisen, V., & Isono, M. (2009). Antonymous adjectives in Japanese discourse. *Journal of Pragmatics*, 41, 2185-2203.
- Murphy, M. L (2003). *Semantic relations and the lexicon: antonyms, synonyms, and other semantic relations*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Murphy, M. L., Paradis, C., Willners, C., Jones, S. (2009). Discourse functions of antonymy: a cross-linguistic investigation of Swedish and English. *Journal of Pragmatics*. 41 (11), 2159-2184.
- Reza Gholi Famian, A. (2014). Discourse function of lexical antonymy in Persian language. *Language and Linguistics*. 10 (19), 55-74 [in Persian].
- Safavi, K. (2011). *An introduction to semantics*. Tehran: Sure-ye Mehr [in Persian].
- Safavi, K. & Ramezankhani, M. (2019). Formalizing the sense relation of words' opposition from logical point of view, a mathematical linguistics approach, *Zabanpazhuhi*, 10 (29), 193-217 [in Persian].

Syntactic Frameworks and Discourse Functions of Lexical Antonymy in Persian Language

Mandana Kolahdooz Mohammadi¹

Ali Reza Gholi Famian²

Ferdows Aghagolzadeh³

Azita Afrashi⁴

Received: 12/07/2017

Accepted: 13/06/2018

Abstract

Antonymy is a unique semantic relation between two lexical forms that are opposite while at the same time they share some basic similarities. Antonyms have attracted attention of linguists interested in lexical semantics. A number of linguists such as Lyons (1977), Cruse (1986) and Murphey (2003) have examined lexical and semantic characteristics of antonyms. Some other scholars have paid attention to discourse functions of antonymy among whom Jones (2002) have provided the most clear-cut theoretical framework. Jones used a test set of 56 word pairs that were well-known, conventional antonyms. They were not balanced across word class, morphological complexity, word length or frequency ranking, but were selected to be representative of the antonym relation. He extracted all instances of these antonyms co-occurring in sentences from a British newspaper corpus of 280 million words. Jones limited the analysis to a sample of 3000 sentences. Approximately every 30th sentence was extracted from the corpus. He then adjusted it so that no more than 60% of the sentences involved adjectival antonymous pairs, in order to ensure that there were sufficient noun, verb, and adverb pairs within the sample. Next, the discourse function of each antonymous pair was identified. One of the categories introduced in Jones (2002) was *ancillary* function in which an antonym pair is used to create or highlight a secondary contrast within sentence/discourse. The second major antonym function is *coordinated* antonymy, in which the distinction between the two opposite is neutralized. *Comparative* antonymy involves measuring one antonym against the other. The *distinguished* function calls attention to the inherent distinction between the members of the antonym pair. *Transitional* antonymy expresses a movement or change from one location, activity or state to

¹ Department of Linguistics, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran; mandana.mohammadi@gmail.com

² Associate Professor, Department of Linguistics and Foreign Languages, Payame Noor University (Corresponding author); famianali@pnu.ac.ir

³ Professor, Department of Linguistics, Tarbiat Modares University; aghagolz@modares.ac.ir.

⁴ Associate Professor, Department of Linguistics, Institute for Humanities and Cultural Studies; a.afrashi@ihcs.ac.ir

another. The negated antonymy function emphasizes one member of the antonym pair by using it with the negation of the other member. Jones's last category is idiomatic category, in which any instance of antonym co-occurrence would be recognized as a familiar idiom.

The previous studies conducted on some languages including Persian revealed that in spite of some differences across languages, almost all of them follow quite the same patterns in implementing different discourse functions. The present study enjoys theoretical as well as methodological concepts from syntax, semantics and discourse analysis to recognize Persian antonyms and identify their discourse function and then the relevant syntactic framework. Here, we attempt to answer the following four questions;

1. What is the share of each discourse function in Persian antonyms?
2. What is the relationship between grammatical framework and discourse function of antonyms?
3. What are the most frequent antonyms in Persian (non)virtual texts?
4. What is the semantic nature of antonyms as far as the kind of genre is concerned?

To shed light on the questions, a corpus of 4000 Persian sentences which contained antonyms was selected. They were extracted from written, verbal and virtual genres. The criterion was that each antonym whether noun, verb, adjective, adverb or pronoun had to occur in a single sentence. Next, the part of speech, discourse function and grammatical framework of each antonym were identified.

The findings indicate that in Persian the coordinated discourse function is the most frequent function and other functions, i.e. negated, transitional, idioms, ancillary, and comparative follow that. It is also revealed that there is a significant relationship between some syntactic frameworks and discourse functions. For example, the syntactic framework of "X and Y" is significantly frequent in coordinated discourse function. Likewise, it is shown that there exists a relationship between the semantic nature of some antonymous pairs and their frequency in some genres. For instance, the antonymous pair 'real-virtual' is used just in virtual corpus. These kinds of findings help corpus linguistics researchers predict the type of corpus with an eye to some antonymous pairs.

To be specific, it should be mentioned that out of 4000 antonyms, 1432 antonyms are nouns, 926 items are verbs, 800 ones are adjectives, 501 cases are adverbs, 89 antonyms are pronouns and finally, 252 antonyms form idiomatic expressions. As far as the discourse function is concerned, 1843 antonyms are coordinated, 533 items are labelled 'extra', 313 cases transitional, 253 antonyms are idiomatic, 226 items are ancillary and 87 ones are comparatives. Hence, the coordinated discourse function ranks the highest one and the negated, transitional, idiomatic, ancillary and comparatives are followed respectively. It is also shown that there is some relationship between specific discourse functions and grammatical frameworks. For example, the syntactic framework X and Y is frequent in coordinated discourse function. Likewise, it is revealed that there is a connection between some antonyms and the genre they appear. As one example, we may refer to the antonyms 'vaaqe'i (real) against 'majaazi' (virtual) which appear just in Persian virtual genre. Studies like this would help corpus linguists predict the genre of texts based on the existing antonyms.

Keyword: Antonymy, Syntactic Framework, Discourse Function, Corpus Linguistics.